

A review of the life of the great Waqif, Abdul Hamid Mirza Farmanfarma (Naser al-Doulah)

Fateme Eybakabadi*

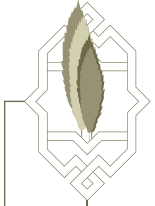
Abstract

Due to the Islamism of Iranians and due to the dominant Shia culture of the people of this land and its interweaving with their material and spiritual life, this special devotion can be seen in the Waqf-Name. In the Qajar period, the Waqf was created mostly with a religious motive. By examining the Waqf-Name, one can clearly see the religious and belief themes in various manifestations; However, something that specifically reflects the religious beliefs of the Waqifs is the frequent mention of the name of God, the beloved Prophet of Islam, and the infallible imams (peace be upon them) in this type of texts. Due to the formalization of the Shia religion in Iran from the Safavid period onwards, especially in the Qajar period, many Waqf-Name can be seen in which the names of the Prophet and the infallible Imams (peace be upon them) are used. The influence of the religious situation in the creation of new Waqfs in the Qajar period is well felt. Sultan Hamid Mirza Farmanfarma Nasir al-Doulah is one of the benevolent people who, under the influence of the religious situation of that time and with the aim of solving the problems of the pilgrims of Atabat Aliat, in providing drinking water and resolving the needs of other pilgrims on their journey to Atabat Aliat, he has Waqf properties.

Key words: Abdulhamid Mirza Farmanfarma, Religious Waqf, Atabat Aliat, Arak, Qajar.

*. Ph.D. in Persian language and literature and waqf researcher

** . f.eybakabadi@yahoo.com



نبذة عن حياة الواقف الكبير عبد الحميد ميرزا فرمانفرما (ناصر الدولة)

فاطمه ايبيك آبادى*

الخلاصة

يمكن ملاحظة التفاني الخاص في رسالات الوقف بسبب ميول الإيرانيين الاسلامية و انتمائهم الشيعي السائد لديهم و تشابكها مع حياتهم المادية و الروحية. في فترة القاجار، تم إنشاء الوقف في الغالب بدوافع دينية. عند دراسة رسالات الوقف، يمكن للمرء أن يرى بوضوح الموضوعات الدينية و العقائدية في مظاهر مختلفة و لكن الشيء الذي يعكس على وجه التحديد المعتقدات الدينية للوقف هو كثرة ذكر اسم الله و نبي الإسلام الحبيب؟ص؟ و الأئمة المعصومين (عليهم السلام) في هذا النوع من النصوص. ونظراً لإضفاء الطابع الرسمي على الدين الشيعي في ايران منذ العصر الصفوي فصاعداً، و خاصة في فترة القاجار، يمكن رؤية العديد من رسالات الوقف التي تستخدم فيها أسماء النبي؟ص؟ و الأئمة المعصومين؟عهم؟. إن تأثير الوضع الديني في ظهور الأوقاف الجديدة في فترة القاجار أمر محسوس جداً. السلطان حميد ميرزا فرمانفرما ناصر الدولة هو أحد المحسنين الذين كان تحت تأثير الوضع الديني في ذلك الوقت فقد خصص عقارات بهدف حل مشاكل زوار العتبات المقدسة المحليين في توفير مياه الشرب و تلبية احتياجاتهم و احتياجات الحجاج الآخرين في رحلتهم إلى العتبات المقدسة.

الكلمات المفتاحية: عبد الحميد ميرزا فرمانفرما، الوقف الديني، عتبات مقدسة، اراك، قاجار.

*. دكتوراه في اللغة الفارسية وآدابها وباحث في الوقف
f.eybakabadi@yahoo.com

مروری بر زندگانی واقف بزرگ، عبدالحمید میرزا فرمانفرما (ناصرالدوله)



فاطمه ایبک آبادی*

مقاله ترویجی

چکیده

به سبب اسلام‌گرایی ایرانیان و با توجه به فرهنگ شیعی غالب مردمان این سرزمین و عجین شدن آن با زندگی مادی و معنوی آنان، این ارادت خاص در وقف‌نامه‌ها دیده می‌شود. در دوره قاجار وقف، بیشتر با انگیزه مذهبی به وجود آمده است. با بررسی وقف‌نامه‌ها می‌توان مضامین مذهبی و اعتقادی را در جلوه‌های گوناگون آشکارا دید؛ ولی امری که به طور مشخص انعکاس‌دهنده عقاید مذهبی واقفان است، ذکر فراوان نام خداوند، پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم؛ عها؟ در این نوع متون است. به علت رسمی شدن مذهب شیعه در ایران از دوره صفویه به بعد، به‌ویژه در دوره قاجار، وقف‌نامه‌های بسیاری دیده می‌شود که در آن‌ها نام پیامبر؛ ص و امامان معصوم؛ ع به کار رفته است.

تأثیر موقعیت مذهبی در به وجود آمدن وقف‌های جدید در دوره قاجار به‌خوبی احساس می‌شود. سلطان حمید میرزا فرمانفرما ناصرالدوله از جمله افراد نیکوکاری است که تحت تأثیر موقعیت مذهبی آن روزگار و باهدف برطرف نمودن مشکلات زوار عتبات‌عالیات، در تهیه آب شرب و رفع نیازهای دیگر زائران در سفر به عتبات‌عالیات، املاکی را وقف نموده است.

واژگان کلیدی: عبدالحمید میرزا فرمانفرما، وقف مذهبی، عتبات‌عالیات، اراک، قاجار.



مقدمه

با بررسی وقفنامه‌ها می‌توان مضامین مذهبی و اعتقادی را در جلوه‌های گوناگون آشکارا دید. واقفان با نام‌بردن از آن‌ها - چه برای تمسک و تیعن و استمداد از آنها و چه در تعیین جهت مصرف درآمد موقوفات خود برای وفات و یا شهادت و بعضاً سالروز تولدشان - ارادت خویش را به آن‌ها اثبات کرده‌اند. ذکر نام ائمه و استمداد از آنان دلیلی بر اعتقاد قلبی واقفان و دین‌باوری عمیق آن‌ها دارد؛ به طوری که آن‌ها پیامبر گرامی اسلام و سایر ائمه را حلال مشکلات می‌دانند.

برگزاری اعیاد مذهبی در سالروز ولادت امامان معصوم^ع؛ از دیگر موارد مصرف موقوفات در دوره قاجار به شمار می‌رود که برگزاری آن توسط واقفان توصیه شده است. جشن مولود ائمه از دوره قاجار مورد توجه قرار گرفت و ناصرالدین‌شاه دستور داد کارگزاران وی در شهرها به برگزاری جشن‌ها بپردازند (فسایی، ۱۳۸۲، ج: ۱، ۸۱۹). در مورد اعیاد مذهبی نیز قابل ذکر است که برخی از اعیاد همچون عید فطر و قربان میان مذاهب اسلامی مشترک بوده و برخی دیگر چون عید غدیر و اعیاد تولد ائمه به‌ویژه نیمه شعبان از اعیاد مختص شیعیان محسوب می‌شود.

۱. طبقه‌بندی واقفان

یکی از بارزترین ویژگی‌های نظام وقف، طبقاتی نبودن آن است بدین معنی که همواره قابل‌دسترسی همه اقشار جامعه بوده، از طبقات پائین جامعه گرفته تا علما و امرا و سلاطین و حاکمان شهرها همه به نحوی با وقف در ارتباط بوده‌اند. این طبقاتی نبودن وقف نشان می‌دهد که نهاد وقف متعلق به تمام مردم است و به طبقه یا گروه خاصی محدود نمی‌شود و موجب رفع نیازهای طبقات معروف جامعه می‌شود که متناسب با شرایط زمانی حرکت کرده و پاسخگوی نیازهای همان دوره بوده است.

در دوره صفویه درباریان، علمای دارای مشاغل رسمی و قشر مرفه مثل بازرگانان به وقف اموال خود می‌پرداختند و وقف در بین عموم مردم کمتر جریان داشت. به عبارت دیگر وقف تعمیم عمومی نداشت یا وقف به درجه جامعه‌پذیری نرسیده بود؛ اما در دوره قاجاریه، به دلیل پخش اندکی از ثروت‌های عمومی در بین مردم و افزایش نسبی سطح زندگی آحاد جامعه، قدرت وقف افزایش یافت. عمومیت وقف و افزایش وقف به عواملی مثل امنیت اجتماعی، افزایش ثروت عمومی، افزایش درآمد عمومی، کاهش فقر

عمومی، حذف انحصارهای کلان و خرد، سیاست و خطمشی دولت و حاکمیت و باورهای انسان‌محور، بستگی دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر واقفان ایران این دوره از بین دولتمردان، روحانیون و بازاریان بودند. مهم‌ترین مصارف وقف در بخش اجتماعی و رفاهی جامعه خلاصه می‌شود که به سه بخش عمرانی، بهداشتی و فرهنگی تقسیم می‌شود. مصارف عمرانی مانند احداث و تعمیر آب‌انبارها، یخچال‌ها، قنات‌ها، کاروان‌سراها، پل‌ها و غیره. مصارف بهداشتی مانند تأسیس حمام‌ها، بیمارستان‌ها و مصارف فرهنگی مانند تأسیس مدارس علمی و مذهبی.

۱-۱. طبقه حکام و خوانین

حکام و شاهزادگان قاجار، مقامات مذهبی وابسته به دولت و حتی خوانینی که به‌نوعی با حاکمیت در ارتباط بوده‌اند، به‌عنوان صاحبان قدرت در این دسته قرار می‌گیرند. این افراد دارای نفوذ و قدرت سیاسی و املاک و اموال زیادی در نواحی مختلف ایران از جمله کرمان و اراک بوده‌اند. آنها با وقف املاک خود و صرف درآمدهای حاصل از آن برای امور عام‌المنفعه، باعث گسترش امور رفاهی و آموزشی و مذهبی در روستاها و شهرها شده‌اند. درباره وقف پادشاهان و منسوبان آنان توضیح این‌نکته ضروری است که قانون مدنی ایران به تبعیت از دیدگان فقیهان اقامیه، شرایطی را برای درستی و نفوذ وقف مقرر داشته‌است و از مهم‌ترین آن‌ها لزوم مالک بودن واقف است؛ بنابراین وقفی که چنین شرطی را دارا نباشد، صحیح یا نافذ نیست. پر واضح است که در این مسیر همه وقف‌های انجام شده توسط سلاطین و پادشاهان را نباید یکسان انگاشت و منصب واقفان را نباید موجب نادرستی تمامی اعمال حقوقی آنان دانست؛ چرا که ممکن است گاه پادشاهی، هر چند ظالم، ملکی از املاک شخصی خویش را که از طریق شرعی به دست آورده است، وقف می‌نماید (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵).

بررسی‌ها حاکی از آن است که برخی از سلاطین جور و منسوبین به آنان در زمان‌های مختلف جهت تأمین مصالح خویش اقدام به وقف بخشی از اموال تحت تصرف خویش می‌نموده‌اند، در حالی که بخش زیادی از آن اموال از راه‌های نامشروعی چون غصب، مالیات‌های کلان و غیرمتعارف، معاملات اجباری، حبس حقوق واجبه رعیت، تصرف در اراضی انفال مانند مراتع و جنگل‌ها، تصرف عدوانی در بیت‌المال مسلمین و تصرف در موقوفات دیگران، به دست آمده بود، از این‌رو در این موقوفات، شبهه عدم مشروعیت وقف پدیدار



می‌گردد؛ ولیکن از سوی دیگر بررسی متون فقهی نشانگر آن است، از آنجایی که واقف باید مالک مال موقوفه باشد تا بتواند آن را وقف کند، لذا به‌منظور تصحیح و تنفیذ این دسته از موقوفات، باید با استمداد از شیوه‌هایی چون استفاده از حکم جواز سلطان، استدلال به قاعده ید مالکانه و امضای وقف سلاطین توسط حاکم شرع، حکم به صحت این دسته از موقوفات را صادر نمود (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵).

۲. عوامل جغرافیایی مؤثر در ایجاد موقوفات استان مرکزی در دوره قاجار

برخی از مهم‌ترین عوامل جغرافیایی مؤثر در ایجاد موقوفات استان مرکزی در این دوره عبارت‌اند از

۲-۱. ایجاد مدرسه علمیّه سپهداری در شهر اراک (قبل از ایجاد حوزه علمیه قم) که این امر سبب گردید موقوفاتی به‌منظور تأمین هزینه تعمیرات ساختمان مدرسه، شهریه طلاب و حق‌الزحمه اساتید و حقوق خدمتکاران و ... ایجاد شود

۲-۲. موقعیت جغرافیایی ویژه اراک؛ به‌طوری‌که مسیر اکثر کاروان‌های زیارتی از اراک و دیگر شهرهای استان مرکزی می‌گذشت. این موقعیت جغرافیایی ممتاز موجب ایجاد موقوفاتی برای رفع نیازها و احتیاجات زائران عتبات عالیات و اطعام و کمک به ابن‌السبیل (هم‌چون موقوفه فرمانفرما) و ایجاد کاروان‌سراهای وقفی برای استراحت زائران عتبات عالیات گردید.

۲-۳. نزدیکی اراک به پایتخت (تهران) موجب شده بود، این شهر همواره مورد توجه شاهان قاجار باشد. از سویی دیگر حضور شاهزادگان قاجار به‌عنوان حاکمان این شهر نیز عاملی در ایجاد موقوفات این شهر بوده‌است.

۲-۴. خراب شدن راه‌ها و پل‌ها در آن دوره از جمله دلایلی بود که سبب گردید تا واقفان دوراندیش برای رفع این نیاز موقوفاتی را از خود به‌جا بگذارند

۲-۵. بروز خشکسالی، مشکلات کم‌آبی و نیاز مداوم قنوات به لایروبی، موجب ایجاد قنوات و آب‌انبارهای وقفی و اختصاص دادن موقوفاتی برای حفظ این آب‌انبارها شده‌است.

۲-۶. فقر و تنگدستی و مورد سرقت قرارگرفتن زائران پیاده عتبات عالیات سبب ایجاد موقوفاتی برای خرید پوشاک و اهداء به زائران فقیر و پیاده عتبات عالیات به‌ویژه در ایام پائیز و زمستان شده است

۲-۷. گرمای تابستان و فشار تشنگی به مردم: تعبیه سقاخانه‌های وقفی در مجاورت دگن‌ها و دادن آب یخ به مردم را به‌دنبال داشته است

۲-۸. مشکل نرسیدن آب شرب به کربلا و نجف؛ موجب به وجود آمدن موقوفه فرمانفرما در اراک گردید تا همه ساله از درآمد این موقوفه برای ایجاد و تعمیر نهر انحرافی از رود فرات تا شهرهای نجف و کربلا استفاده شود

۲-۹. قرار گرفتن بخش عمده‌ای از سرزمین ایران در موقعیت بیابانی، خشکسالی‌های پی‌درپی، کمبود آب و بارش کم باران، توجه به ساخت قنات و آب‌انبار را در ایران گسترش داد. به مرور زمان بخشی از کارکردهای این بناها جنبه مذهبی یافته است، چنانکه به نوشته سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس، یکی از علل خیرات و مبرات ایرانیان جهت ساخت آب‌انبارها و نجات مردم از تشنگی، توجه به تشنگی امام حسین؛؟ و یارانش در واقعه عاشورا است (دسیلوا فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۳۱۱)

۳. معرفی واقف

ناصرالدوله، فرزند نصرت‌الدوله فرمانفرما، پسر شانزدهم عباس میرزا نایب‌السلطنه است که در سال ۱۲۷۴ ه. ق به حکومت اراک رسید. ثروت نصرت‌الدوله، پس از مرگش میان فرزندان او که یکی از آنها حمید میرزا ناصرالدوله بود، تقسیم شد و وی همه املاک فرمانفرما در اراک و روستاهای آن را به صورت وقف در آورد (ذبیحی، ۱۳۸۱: ۲۸).

۳-۱. فیروز میرزا نصرت‌الدوله، پدر ناصرالدوله

نصرت‌الدوله فیروز که برای نخستین بار بعد از حسینعلی میرزا، لقب فرمان‌فرمایی یافت، فرزند عباس میرزا نایب‌السلطنه و برادر محمدشاه بود. فیروز میرزا نصرت‌الدوله فرمانفرما در سال ۱۲۳۳ ه. ق متولد شد. فیروز میرزا دو زن اختیار کرد، همسر اول او دختر میرزا یوسف مستوفی‌الممالک بود و از او یک پسر به نام عبدالحمید میرزا و یک دختر به نام منورالسلطنه داشت. پس از مرگ همسر اول با شاهزاده هما خانم، بنت سرکار نواب مستطاب اشرف والا، بهاء‌الدوله بهمن میرزا ازدواج نموده به صدق ۱۲ هزار تومان نقد اشرفی در یکشنبه ۱۵ رجب ۱۲۷۰ هجری که کاغذ عقد این دو، یکی از اسناد گران‌بهای صدائیه عصر قاجار است و بیش از یک متر و نیم طول دارد که با خط خوش و نقاشی و تذهیب بی‌نظیر تهیه شده و در موزه راث سوئیس که گویا متعلق به آقاخان بوده، به نمایش گذاشته شده است. حاجیه هما خانم زنی خیر و متدین بود و مسجد شاهزاده خانم در تهران از بناهای بازمانده از او است

فیروز میرزا از هما خانم صاحب سه دختر و یک پسر شد: نجم‌السلطنه همسر وکیل‌الملک کرمانی شد و پس از او به عقد هدایت‌الله خان وزیر دفتر درآمد. سرور



خانم، ملقب به حضرت علیا، همسر مظفرالدین میرزا ولیعهد شد و عصمت السلطنه در جوانی فوت کرد. پسر او عبدالحسین میرزا که اول نصرت‌الدوله بود و بعد از مرگ برادرش عبدالحمید میرزا، ملقب به فرمانفرما شد. از عبدالحسین میرزا پسری به دنیا آمد که فیروز میرزا خوانده می‌شد به نام جدش و لقب نصرت‌الدوله نیز یافت. او هم چند صباحی حاکم کرمان شد و بالاخره در زندان رضاشاه در سمنان به قتل رسید (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۴۰۶ و ۴۰۷)

فیروز میرزا از جوانی مصدر امور مهم بود. در ۱۷ سالگی با قائم‌مقام فراهانی در اردوکنشی محمدشاه و سرکوب حسینعلی میرزا، پسر فتحعلی‌شاه که ادعای سلطنت داشت، شرکت کرد. در ۱۲۵۰ ه. ق با پیشکاری منوچهر خان معتمدالدوله حاکم فارس شد و در ۱۲۵۱ ه. ق مأمور سرکوب آقاخان محلاتی شد که قیام کرده بود. در سال‌های ۱۲۶۶ تا ۱۲۶۹ ه. ق حکومت شیراز را داشت و در سال ۱۲۷۴ ه. ق سال تولد عبدالحسین میرزا، حکومت اراک و تویسرکان با وی بود و سال بعد با حفظ سمت، حاکم تهران شد. فیروز میرزا در ۱۲۷۶ ه. ق عضو شورای دولتی شد و در ۱۲۸۴ ه. ق حکومت قزوین و سپس در ۱۲۸۸ ه. ق وزارت جنگ به او محول شد.

پس از سفر شاه به عتبات و مراجعت میرزا حسین‌خان، فیروز میرزا از وزارت جنگ معزول شد و میرزا حسین‌خان به جای او مقام وزارت جنگ را بر عهده گرفت. فیروز میرزا جزء ملتزمین رکاب شاه در سفر فرنگ بود و در مراجعت، وقتی میرزا حسین‌خان کنار گذاشته شد، بار دیگر مدت کوتاهی وزیر جنگ شد. سپس در ۷ ربیع‌الاول ۱۲۹۱ حاکم عراق و بروجرد شد. در ماه شوال ۱۲۹۳ حکومت ایالات مرکزی که عبارت از اراک، همدان، ملایر، تویسرکان، گلپایگان، خوانسار، نهاوند و بروجرد بود، به فیروز میرزا واگذار شد. همچنین عضو مجلس تحقیقی دولتی نیز بود و در ۲۴ محرم ۱۲۹۴ به لقب فرمانفرما ملقب شد (اتحادیه و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۳ تا ۶۵)..

فیروز میرزا جزء همراهان شاه در سفر دوم فرنگ در ۱۲۹۵ ه. ق بود. سال بعد حکومت کرمان و بلوچستان به وی تفویض شد و در ۱۲۹۸ ه. ق بر اساس تقاضای وی حکومت کرمان به پسر بزرگ‌ترش عبدالحمید میرزا ناصرالدوله اعطا شد. فیروز میرزا در بیست و نهم جمادی‌الاول سال ۱۳۰۳ در سن ۷۰ سالگی در تهران درگذشت (نعیمی، ۱۳۸۵: ۱۷۴).

۳-۲. حکومت عبدالحمید میرزا

بر حسب استدعای خود شاهزاده نصرت‌الدوله فرمانفرما، پس از یک سال و نیم اقامت در کرمان در سنه ۱۲۹۸ حکومت کرمان به شاهزاده سلطان حمید میرزای ناصرالدوله، خلف اکبر معزی الیه تفویض گردید و شاهزاده ناصرالدوله به کرمان روانه و فرمانفرما هم از کرمان عازم دارالخلافه شد. در عرض راه تهران، در منزل انار که اول خاک کرمان است، ناصرالدوله به خدمت پدر بزرگوار شرفیابی حاصل نموده، شاهزاده فرمانفرما مهمات لازمه وضع مملکت کرمان را به ایشان حالی فرمود. بعد از یکی دو روز ملاقات و دیدن دو شاهزاده اعظم، پدر طریق تهران و پسر راه کرمان پیش گرفتند^۲ (وزیری کرمانی، ۱۳۵۲: ۶۲۹).

الحاصل، کفایت و شجاعت ناصرالدوله همانا مشهور ایران، بلکه در ممالک خارجه هم اشتها داشت. پس از ورود به کرمان، انواع مهربانی و سلوک را با عالی و ادانی فراخور حال و حالت هر کس به عمل آورده و هر جا و هر کس که مقتضی سیاست و نکال بود، معمول فرموده و همه‌روزه از بام تا شام، مشغول انجام امور ایالتی و نظم مملکت و وصول مالیات و اقساط دیوانی و تربیت و تعلیم افواج کرمانی و اصلاح امور رعیت و قشونی بود^۳ (وزیری کرمانی، ۱۳۵۲: ۶۲۹).

۳-۳. اعطای لقب فرمان‌فرمایی به عبدالحمید میرزا

بعد از دو سال و کسری که شاهزاده نصرت‌الدوله فرمانفرما در تهران به رحمت یزدان پیوست، لقب جلیل فرمان‌فرمایی هم حسب‌الارث و الاستحقاق، به شاهزاده ناصرالدوله مرحمت شد (وزیری کرمانی، ۱۳۵۲: ۸۱۵).

مدت ایالت شاهزاده در کرمان ۱۱ سال به طول کشید^۴. شش سفر به بلوچستان فرمود و تمام محالات آنجا را به نظم درآورد. در حکمرانی ناصرالدوله فرمانفرما، سه چهار فقره فتنه

۱. فیروز میرزا اهل شعر و ادب و موسیقی بوده و خط خوب می‌نوشت. روح الله خالقی در سرگذشت موسیقی ایران او را از استادان به نام کمانچه دانسته است.

۲. روزنامه اختر چاپ استانبول، متن فرمان حکومت ناصرالدوله را اینطور ضبط کرده است: ناصرالدوله، بعد از مرحوم شدن فرمانفرما، چون کمال رعایت را به بازماندگان آن مرحوم و مخصوصاً اعتقادی به کفایت درایت شما داشته‌ایم، لهذا مستقلاً حکومت کرمان و بلوچستان را از اکنون و ما بعدها به خود شما واگذار می‌فرماییم که بدون مداخله احدی مشغول حکومت باشید. عرایض خود را مستقیماً به عرض حضور برسانید. ۱۸۸۶ میلادی، روزنامه اختر صفحه ۳۴۳

۳. باغ شاهزاده در ماهان که از باغ‌های زیبا و بزرگ ایران محسوب می‌شود، از بناهای شاهزاده عبدالحمید میرزا است که سال‌ها وقت و پول بسیار صرف ایجاد آن شده است. اکنون آن باغ، قسمتی متعلق به سرکار آقا ابوالقاسم خان و قسمتی متعلق به یکی دو تن از ملاکین زرتشتی است.

۴. وفات سلطان عبدالحمید میرزا ناصرالدوله فرمانفرما که ۱۱ سال متوالی حکومت کرمان و بلوچستان را داشت به تاریخ رمضان ۱۳۰۹ قمری اتفاق افتاد. مجله یادگار شماره ۸ و ۹ سال پنجم



از بلوچیه در بلوچستان رخ داد که همه به کفایت و توجه شاهزاده، به اسهل وجهی اصلاح شد (وزیری کرمانی، ۱۳۵۲: ۶۳۰-۶۲۹).

۳-۴. ازدواج فرمانفرما

عبدالحمید میرزا فرمانفرما ناصرالدوله، از همسر اولش پنبه خانم که علاقه زیادی هم به او داشت، صاحب فرزند نشد و تصمیم گرفت زن دیگری اختیار کند. از آنجائی که شاهزاده علاقه‌مند بود زن کرمانی داشته باشد، به خواستگاری دختر آخوند ملا محمد صالح که از علمای بزرگ کرمان بود، رفت. آخوند به او تکلیف کرد که باید زن قبلی یعنی پنبه خانم را طلاق بدهد. سرانجام ناصرالدوله با همه عشق و علاقه‌ای که به پنبه خانم داشت او را طلاق داد و همسر بعدی را برگزید. همسر دیگر ناصرالدوله دختر محمدتقیی خان، پسر ابراهیم‌خان ظهیرالدوله بوده و این زن، مادر سرلشکر فیروز بوده است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۴۸۶ و ۴۸۷).

۳-۵. فرزندان عبدالحمید میرزا

شاهزاده، دو پسر به نام‌های عبدالمجید میرزا و حسینقلی میرزا داشت. مادر ناصرالدوله عبدالمجید میرزا و نصرالدوله، خواهر عبدالرضا خان کرمانی، رکن‌الممالک بوده است که این عبدالرضا خان با حاج محمدکریم خان رئیس طایفه شیخیه، پسرعمو بوده است. (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۴۹۱).

ناصرالدوله از زن دیگرش دو دختر داشته که یکی از آنها به حباله رکن‌الممالک عبدالرضا خان درآمده و دیگری در عقد جلیل‌الدوله برادر رکن‌الممالک بوده است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۴۹۱).

۳-۶. رساله ناصریه

حاج محمد خان، پسر حاج محمدکریم خان و جانشین او در ریاست شیخیه، برای سلطان حمید میرزا ناصرالدوله، رساله‌ای نوشته و آن را رساله مبارکه ناصریه نام گذاشته و این کتاب در حیات مؤلف، در بمبئی چاپ شده است.

"... و بعد چنین گوید: بنده ائیم و فانی زمیم محمد بن محمدکریم ابن ابراهیم که در این اوان سعادت اقتران، حکمی محکم زیارت شد از صاحب مفخرتین و جامع منزلتین و مالک ریاستین نواب شرافت انتصاب، نبالت انتساب، اجل اکرم افخم، شاهزاده آزاده ناصرالدوله

والدین و حامی المسلمین... مشحون به مسئله بسیار مشکل و مطلبی بس معضل و این بنده ناچیز را امر به شرح آن فرموده بودند... و اصل مسئله شریفه این است که چه چیز است معنی فرمایش شیخ جلیل مرحوم اعلی‌الله مقامه: الجسد العنصری لایعود...۱... در آخر رساله نوشته " ... این بود مجملی از بیان جسد عنصری و ذاتی و لاحول ولا قوه الا بالله العلیّ العظیم و عذرخواهم از اختصار رساله، چرا که مشاغل بسیار دارم و وسایل دیگر نیز در دست است و تمام کردن آنها واجب است، لهذا به قدر کفاف عرض شد و فهم ثاقب حضرت والا دام عزه و توفیقاته را اندک اشاره کافی است.

و قد حصل الفراغ من تسوید هذه الاوراق فی عصر الثامن من شهر ربیع المولود سنه ۱۳۰۰ حامداً مصلیاً مستغفراً فی قریه لنجر، مطبوعه بمبئی".

رساله وقف عام است و معلوم است که به خرج خود حاج محمد خان و موقوفات شیخیه چاپ شده است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۴۰۴ و ۴۰۵).

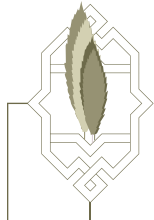
۳-۷. وفات عبدالحمید میرزا

«... از آنجایی که روزگار غدار ناپایدار، کاری جز بدعهدی ندارد، در دو سال آخر، درد گلوی معروف که بعضی از اطباء آن را نوعی از طاعون شمرده‌اند، سه چهار پسر و دختر شاهزاده را از حیات عاری ساخت، لهذا شاهزاده را غم و کسالت فرا گرفت. پیوسته اوقات در حزن آن نونهال‌های خانواده شوکت، به سر بردی و هیچ روز و شب نیارمیدی ... بعد از دو سه روز، مبتلای به ناخوشی آنفلونزا که زکام مسری باشد و آن سال در تمام ایران بروز کرده بود و در کرمان نیز سرایت نموده بود، شده، پس از چند روز منجر به چند مرض متضاد مثل مُحرَقه و مُطبَّقه و زهیر گردید و در عَشْر آخر رمضان، داعی حق را لبیک اجابت فرمود. نعش آن شاهزاده را با کوبه و جلال در مزار مشهور به قبر آقا در خارج شهر کرمان امانت سپردند» (وزیری کرمانی، ۱۳۵۲: ۶۳۲ تا ۶۳۴).

در باب واقعه مرگ ناصرالدوله مرحوم ابوالحسن مستوفی این‌طور نوشته است:

"ای هزار تُف بر روزگار بی‌حاصل بی‌وفا، در امروز سه‌شنبه ۲۸ رمضان ۱۳۰۹ مرحمت پناه، غفران‌مآب، فرمانفرما سلطان حمید میرزا پسر فیروز میرزای فرمانفرما، بدرود جهان نمود. دو ساعت به صبح روز سه‌شنبه، بیست و هشتم رمضان الی حالا که سه ساعت

۱. رساله ناصریه صفحه ۵ مقصود از شیخ جلیل، در این عبارت شیخ احمد احسائی مبدع فرقه شیخیه است.
 ۲. هم حاجیه هما خانم و هم ناصرالدوله، به شاه نعمت الله ولی ارادت کامل داشته‌اند. تعمیرات و آثاری نیز از این دو در صحن جنوبی مزار شاه ولی، هنوز برجاست.



از شب چهارشنبه می‌رود، به همین فاصله هفده ساعت گویا آثاری نبوده، چه جای اینکه حکومتی علامتی داشته باشد، تُف بر دنیا و تُف بر اهل دنیا که یکی از جمله اهل دنیا خودم هستم. یا شاه ولایت، یا حضرت مرتضی علی متوسل به ذیل رأفت و کرم تو هستم (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۴۰۴).

۳-۸. عبدالمجید میرزا پسر ناصرالدوله

عبدالمجید میرزا معروف به سرلشکر فیروز در ۱۳۳۱ شمسی، ۱۹۵۲ میلادی در زمان حکومت دکتر مصدق، بیمارستان مرسلین کرمان را که متعلق به انگلیسی‌ها بود، خریداری کرد و آن را وقف خاص نمود و اکنون یک زایشگاه معروف است.

بیمارستان در زمینی به مساحت ۲۰۰۰ قصب (پنجاههزار مترمربع) بنا شده و ۱۲ هزار متر زیر بنا دارد، سرلشگر، بیمارستان را به نام مادر خود راضیه فیروز نامید و تولیت رقیات، بعد از خود واقف، با متولی موقوفات، ابراهیم‌خان ظهیرالدوله - جد مادری خودش - قرار داده شد؛ بنابراین طبق اصول وقف شیخیه، تولیت آن همیشه با سرکار آقااست. هرچند گویا بعد از انقلاب، برخلاف نظر واقف، مختصر تغییری در اصول وقف ظهیرالدوله داده شده است. فیروز در اول کار ۲۰ هزار تومان برای تعمیرات اولیه زیر نظر ابوالقاسم خان ابراهیمی، سرکار آقا مصرف کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۴۹۰).

۴. موقوفات ناصرالدوله فرمانفرما

سلطان حمید میرزا فرمانفرما ناصرالدوله از کسانی بود که در سال ۱۳۰۱ املاک خود را در سلطان‌آباد یا همان اراک امروزی وقف نمود. بخشی از درآمد حاصله را برای رسیدگی به حرم حضرت امیرالمؤمنین ع؛ و پاک‌سازی نهر فرات، جهت زوّار تعیین نمود و نیز عُشری از این موقوفه را جهت امور خیر دیگر قرار داد. وی علت عمده این وقف را رفع مشکلات زوار، جهت دسترسی به آب آشامیدنی سالم و نیز بیم از تشنگی روز جزا بیان می‌کند. البته در وقف‌نامه قید شده است که اگر در طول سال نیاز به تعمیر یا پاک‌سازی فرات نبود، هزینه آن را برای تأمین مخارج و مایحتاج طّلاب متشرع ساکن در نجف و کربلا اختصاص دهند

واقف برای نظارت بر هزینه‌ها و اجرای مفاد این موقوفه، یکی از علمای ساکن در نجف را به‌عنوان متولی امر انتخاب نمود. هم زمان از صورت این وقف‌نامه، چهار رونوشت تهیه

شد که در نجف، کربلا، مشهد و قم نگهداری می‌شود. قسمتهایی از وقفنامه موردنظر ذکر می‌گردد: «تمامی موازی نصف کامل مشاع از کل شش‌دانگ مزرعه و قنات ناصری واقع در سلطانی‌آباد عراق را مع کافه ملحقات و منضات شرعیه و عرفیه از اراضی و صحاری و منابع و مجار... یک عشر را انفاذ نجف اشرف دارند و مصرف خرج تعمیر نهر نمایند، و عشر دیگر... به هر مصرف خیر و بری که در شریعت مطهره نبویه مصطفویه مرغوب الیه و مطلوب دانند برسانند و باقی را که هشت عشر است، سال به سال انفاذ نجف اشرف خدمت ناظر وقف (یکی از علما) که در آنجا متوطن است، دارد که به نظر ایشان صرف و خرج تعمیر نهر فرات که نجف اشرف جاری شده، گردد و مقرر است در هر سالی که نهر تعمیر لازم نداشته باشد، یا تعمیر لازم خرج آن کمتر از وجه انفاذی از موقوفه شود، در صورت تحقق فرض اول تمام و بر فرض وقوع... از تعمیر نهر را ناظر نجف اشرف... بر طلب محضین متشرعین مشرفین در نجف و کربلائی معلی انفاق نمایند».

با این وصف می‌توان دلیل مهم به وجود آمدن موقوفه فرمانفرما در اراک را مشکل نرسیدن آب شرب به کربلا و نجف برشمرد تا همه ساله از درآمد این موقوفه برای ایجاد و تعمیر نهر انحرافی از رود فرات تا شهرهای نجف و کربلا استفاده شود (وقفنامه ناصر الدوله، ۱۳۰۱، اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مرکزی).

۵. خلاصه وقفنامه عبدالحمید میرزا مشهور به فرمانفرما و موقوفات وقفنامه نام واقف: عبدالحمید میرزا ناصرالدوله

خلاصه: واقف چندین روستا و مزرعه را در ناحیه «شَراه» در استان مرکزی ایران وقف کرده است تا درآمد و عایدات آن همه ساله به مصرف خرید و اهداء قرآن به مؤمنین، تأمین احتیاجات ضروری زائرین نیازمند مرقد امامان معصوم در کربلا و نجف همچون خرید لباس و کفش، انجام حج به نیت واقف، روضه‌خوانی و قرائت قرآن و از همه مهم‌تر حفظ و نگهداری عین موقوفه برسد. از موارد قابل توجه و نکات بارز این وقفنامه می‌توان به‌دقت و باریک‌اندیشی واقف در پیش‌بینی تمام مسائلی که احتمال می‌داده در آینده به وجود بیاید، اشاره کرد که در نوع خود کم‌نظیر است.



اصل وقفنامه ۱۳۰۰ ق.۵

ردیف	املاک، موقوفات	ناحیه	مصارف
۱	شش دانگ قریه دهچال	بلوک شراه از روستاهای اراک	تعمیر نهر فرات
۲	شش دانگ مزرعه کوکیر	بلوک شراه از روستاهای اراک	روضه خوانی در مشاهد متبرکه و خریدن کفش به جهت زوّار عتبات عالیات
۳	شش دانگ مزرعه امامزاده	بلوک شراه از روستاهای اراک	روضه خوانی و قرائت قرآن
۴	شش دانگ طاحونه دهچال	بلوک شراه از روستاهای اراک	اهداء قرآن به مؤمنین، تأمین احتیاجات ضروری زائرین نیازمند
۵	یک درب کاروان سرا در قریه دهچال	بلوک شراه از روستاهای اراک	بر عابرین و زائرین قبور ائمه طاهرین
۶	پنج دانگ و یک طسوج از قریه علی توتل	بلوک شراه از روستاهای اراک	تأمین احتیاجات ضروری زائرین نیازمند
۷	شش دانگ رشته قنات قراسو	بلوک شراه از روستاهای اراک	کمک به فقرا و زائران پیادۀ عتبات عالیات

اصل وقفنامه ۱۳۰۱ ق.۵

ردیف	املاک، موقوفات	ناحیه	مصارف
۱	نصف مُشاع کامل از کل شش دانگ مزرعه و قنات ناصر ی واقع	شهر سلطان آباد عراق (اراک)	تعمیر نهر نجف

۶. بررسی مضمون و محتوای وقفنامه

۶-۱. روضه خوانی و ذکر مصیبت

در روزگار قاجار، عزاداری امام حسین؛ع از اهمیّت بسیاری برخوردار بود. گل سرسبد مجالس عزاداری امام حسین؛ع، روضه خوانی بود و در مساجد و تکیه ها، نه یک روضه خوان، بلکه چندین روضه خوان به ایراد سخنرانی و شرح مصیبت امام حسین؛ع می پرداختند. اهمیّت روضه خوانی در دوره قاجار را می توان از وقفنامه های گوناگون آن روزگار دریافت. یکی از بندهای وقفنامه فرمانفرما، برگزاری مجالس روضه بوده است

روشن کردن چراغ بالای مقبره: در باورهای عامیانه، «نور چراغ مانند نور شمع، هنگامی که با عبادت همراه می‌شد، نشانگر روشنایی روح، الوهیت، گذشت سریع عمر بر روی زمین بود. میان کالاهایی که با متوفی دفن می‌شد، چراغ، زندگی بعد از حیات ا و را، روشنایی می‌بخشید» (هال، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

۶_۲. نسبت‌های فامیلی

نسبت‌های فامیلی از جمله عناصر غیرمادی در فرهنگ و زبان عامه هستند. واژگان مربوط به این حیطه از زبان، در دوره‌های مختلف تاریخی دچار تغییر و تحوّل شده‌اند. در وقفنامه‌ها، نسبت‌های فامیلی در خصوص وژات و یا تعیین متولیان بعدی به کار می‌رود. در واقع واقف، فردی از اعضای خانواده و یا اقوام خویش را به‌عنوان متولّی برمی‌گزیند و از او می‌خواهد تا کارهایی را انجام دهد. نسبت‌هایی که در این وقفنامه به‌کاررفته است این موارد هستند:

اولاد ذکور و اناث: در ادب عامیانه به‌ویژه در شهرهای کرد و لر زبان، فرزند را «روله یا اولاد» می‌نامند. اولاد ذکور در زبان عربی به فرزند پسر و اولاد اناث به فرزند دختر اطلاق می‌شود. در وقفنامه‌ها معمولاً فرزند ذکور عهده‌دار خواسته پدر است و این رسم نسل به نسل ادامه می‌یابد.

صبیه: در لغت به دختر کوچک، صبیه می‌گویند؛ اما در وقفنامه‌ها برای احترام، همه دختران را صبیه می‌نامیدند.

۶_۳. القاب و عناوین

اگر از ابتدای وقفنامه‌ها، مصداق‌های ادبیات و فرهنگ عامیانه بررسی شود، اولین نکته حائز اهمیت، عناوین و القاب به کار برده شده در این وقفنامه‌ها است. اگرچه القاب و عناوین به کار رفته عربی هستند، ولی با توجه به زبان و ادبیات دوره قاجار و مذهبی بودن متون وقفنامه و گویش اجتماعی روحانیون آن عصر، این امر طبیعی است. علاوه‌برآن، دادن این القاب و عناوین از زمانی متداول شد که شاهان قاجار به فرزندان و زنان خود القاب پر طمطراق دادند و سپس این عناوین اشاعه پیدا کرده و به همه ارکان حکومت تعمیم یافت و ناخودآگاه به فرهنگ و ادبیات عامه مردم رسوخ کرد.

القاب و عناوین مذهبی: این القاب بیشتر درباره واقفان به کار رفته است. از نظر دستوری معمولاً صفت یا ترکیبات اضافی هستند که در بسیاری از موارد، مضاف‌الیه



آنها، لفظ جلاله «الله» است: حجت‌الاسلام حاج سید محمدباقر مجتهد عراق القاب زیارتی: واژگانی هستند که به واسطه سفر به اماکن متبرکه مذهبی به افراد می‌دهند و بیش از سایر القاب در فرهنگ و ادبیات عامه کاربرد دارند. بسامد این واژگان در زبان عامه آن قدر بالا است که در بیشتر مواقع این صفات، جانشین اسم افراد می‌گردد. از لحاظ دستوری، در وقفنامه‌ها این القاب یک سوی ترکیبات دو طرفه بدل و بدل منه هستند.

حاجی یا حاجیه: به کسی که به سفر حج مشرف شده باشد، گویند: حاج سید محمدباقر مجتهد عراق - حاجیه شاهزاده خانم القاب و عناوین اشرافی: این القاب که عموماً درباره واقف و فرزندان و وزات او به کار برده شده‌اند؛ از نظر دستوری صفات (اضافه وصفی) و از نظر فنون ادبی، تتابع اضافات به شمار می‌روند. کاربرد این اوصاف نشان‌دهنده تعلق این افراد به خاندان‌های اشرافی و درباری و بیانگر تمول مالی آنهاست.

حضرت والا: استفاده از این ترکیب اضافی در مورد واقف، نشانه ادب و احترامی است که نویسنده وقفنامه برای شخص واقف قائل بوده و نمایانگر جایگاه اجتماعی بالای ایشان است: حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد والا، آقای ناصرالدوله سلطان حمید میرزا - نواب علیه عالیه، صبیبه مرضیه حضرت واقف - سرکار نواب کامکار والا میرزا نصرت‌الدوله عبدالحسین میرزا

شاهزاده: برای بزرگداشت و احترام به کار می‌رفته است، این عنوان مخصوص فرزندان شاه بوده است: شاهزاده خانم - حضرت مستطاب اشرف الحکام بندگان، شاهزاده فرمانفرما فیروز میرزا

جناب و شوکت مدار: این واژه‌ها هم نشانه احترامی است که برای شخص مورد خطاب استفاده می‌شود: جناب مستطاب شریعتمدار آقای حجت‌الاسلام حاج سید محمدباقر مجتهد عراق - شوکت مدار عالی، آقای سلطان محمد خان - سرکار شوکت مدار اجل عالی میرزا: مخفف واژه میرزاد، به معنی بزرگزاده و اشرافزاده است. اما در تداول عامه به منشی‌ها و نویسندگان نیز اطلاق گردید. میرزا در دوره قاجار از القاب شاهزادگان هم بوده، ولی بعدها برای سردارزادگان هم استفاده می‌شده است: سلطان حمید میرزا - میرزا نصرت‌الدوله عبدالحسین میرزا

۶-۴. مشاغل

برخی از پیشه‌های ذکر شده در وقف‌نامه، همچون روضه‌خوان، فزاش، مدرّس، مؤذن و امام‌جماعت به آیین و سنن مذهبی و اعتقادی مرتبط هستند. روضه‌خوان: روضه‌خوانی بخشی از فرهنگ دینی مردم و باورهای عامیانه آنان است. «معنای روضه در اصل باغ و بوستان است؛ اما سبب اشتها روضه‌خوانی به روضه آن است که مرثیه‌خوانان در گذشته، حوادث کربلا را از روی کتابی به نام «روضه الشهداء» متعلّق به ملاحسین کاشفی برای مردم می‌خواندند، از این رو به آنان روضه‌خوان می‌گفتند» (قمی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

«در دوره قاجاریه عزاداری امام حسین؛ رونق گرفت، به طوری که فتحعلی‌شاه قاجار در بعضی شب‌های جمعه، بخصوص در ماه رمضان و ماههای محرم و صفر، روضه‌خوانی برپا می‌کرد» (مظاهری، ۱۳۸۹: ۸۱). این‌گونه بود که روضه‌خوانی به بخشی از زندگی عوام تبدیل شد و باور جمعی افراد به برگزاری این مراسم‌ها تأکید نمود. در نتیجه، افرادی که عموماً از نظر دینی پذیرفته شده و دارای صدای خوشی نیز بودند، تحت عنوان روضه‌خوان به فعالیت پرداختند.

۶-۵. واحدهای اندازه‌گیری

واحدهای اندازه‌گیری یا اوزان و مقادیر در وقف‌نامه‌ها برای اعلام میزان مال وقفی یا مساحت ملک مورد وقف به کار می‌رفته است. به طور کلی این واحدها در وقف‌نامه‌ها شامل مقیاس‌های اندازه‌گیری وزن، مساحت یا پول هستند.

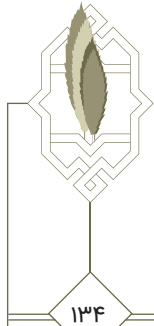
دانگ: یک قسمت از شش قسمت هر چیز را دانگ گویند و در اصطلاح همه یک چیز را شش دانگ گویند. اما در وقف‌نامه‌ها واحدی است برای وقف املاکی مانند باغ، مزرعه، دکان و... که از پربسامدترین و پرتکرارترین واحدها در وقف‌نامه‌ها می‌باشد.

طسوج: چهار یک‌دانگ، ربع دانگ.

عُشر: یک پاره از ده پاره هر چیزی، یک قسمت از ده قسمت.

دینار: از کلمه لاتینی «دناریوس» denarius گرفته شده است. به معنی سکه طلا که در گذشته رواج داشته و به وزن ۴ گرم بوده است. در فارسی یک‌صدم ریال ایران را گویند؛ در گذشته به یک هزارم «قران» یا «ریال» گفته می‌شد.

تومان: کلمه‌ای است مغولی، به معنی ده‌هزار که بعدها در ایران معادل ده قران شد.



امروزه قسمی از واحد پول ایرانیان، تومان می‌باشد.
 ذرع: واحدی برای طول، برابر با ۱/۰۴ متر.
 نخود: از مقیاس‌های وزن است؛ ۲۴ نخود، يك مثقال است.
 ثلث: یک قسمت از سه قسمت چیزی را گویند، یک سوم چیزی.
 من: به فتحه «م»، مقیاس وزن که عبارت از ۴۰ سیر و تقریباً معادل سه کیلوگرم است
 و آن را «من تبریز» هم می‌گویند.
 جلد: به کسره «ج» واحد شمارش کتاب است.
 ربال: واحد پول ایران که در گذشته به آن «قران» به کسره «ق» می‌گفتند.
 مثقال: وزنی است معادل ۲۴ نخود، مثقال یک شانزدهم «سیر» است و «سیر» نیز از
 مقیاس‌های وزن در ایران است معادل ۷۵ گرم.
 رأس: برای شمارش بعضی از چهارپایان استفاده می‌شود مانند: ده رأس گاو.
 مُشاع: ملک یا خانه‌ای که میان چند نفر مشترک باشد و سهم جداگانه هر یک معین
 نشده باشد!

۶-۶. مکان‌های قید شده در وقف‌نامه

قریه دهچال - بلوک شرهه - سلطان‌آباد عراق - کاروان‌سرای واقع در قریه دهچال - قنات
 قراسو - مزرعه کوکیر - مزرعه امامزاده - طاحونه^۱ - قریه علی توتل - قریه سیران - پل دیزآباد
 - نجف اشرف - کربلای معلی - کاظمین - ناحیه مقدسه عسکریین - مشهد مقدس.

۶-۷. کاربرد واژگان عربی مفرد

مؤبّد - مُخلّد - أشرف - أمجد - أسعد - أشجار - مراتع - مرابض - توابع - لواحق تحدید -
 إساحه - تیسر - ثلث - ایصال - اهتمام - ضَباط - هکذا - تصریح - نفیس - ولد - صبیّه
 - أرفع - أشهر - ملاذ - ممهور - شرایع.

۶-۸. کاربرد ترکیبات عربی

بعد الحمد و الصلاه - الدولة العلیه - مجاری المیاه - کلماتی متعلق بها و ینسب الیهها - آلات
 حجریه و خشبیه و حدیدیه و غیرها - مع ما یتعلق بها - مع جمیع ما یتعلق بها بقدر

۱. معانی تمامی واژگان از لغت‌نامه دهخدا استخراج شده است
 ۲. آسیاب

الحصه - متعلقات شرعيه و عرفيه - آتي ذكره - اجرت المثل - منوطاً برأيه - حق التوليه و النظاره - كائنا من كان - ان شاء الله - قربه الي الله - سابق الذكر - مهما أمكن - افطار الصائمين - وجه من الوجوه - مادام الحيات - مايلزم وضعه - هكذا هلم جراً - هكذا نسلأ بعد نسل - عليه متعالیه - مرجع أنام - من البداية الي النهايه.

به کاربردن جملات نعت عربي (جملاتی که برای حمد و ستایش خداوند، پیامبر، ائمه و واقف بیان می شود)

دام إجلاله العالی - سلام الله عليهم اجمعين - سلام الله عليه - صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين - عليها آلاف التحيات و التحف - روحنا لتراب نعال زائريه فداء - عليه التحيه و الثناء - عليهمالسلام - ارواحنا لهما الفداء - عليه سلام الله و الملائكة و الناس - زاد الله شرفها - دام اقباله - مدّ ظلّه العالی - سلمه الله تعالی - عليه صلوات الله الملك الغالب - عليه آلاف التحية و الثناء - أدام الله تعالی إجلاله - دام مجده العالی - دامت خدارتها.

تولیت موقوفه: خود واقف، سپس اکبر اولاد ذکور واقف و اگر صغیر باشند، آقای سلطان محمد خان داماد واقف، در مرحله بعد صبیّه (دختر) واقف، سپس نصرت الدوله عبدالحسین میرزا و در نهایت عالمی متقی در کربلای معلی.

ناظران موقوفه: بعد از رحلت واقف، حجت الاسلام حاج سید محمدباقر مجتهد عراق و سپس عالمی عامل در عراق.



نتیجه‌گیری

در بررسی وقف‌نامه‌های دوره قاجار مواردی یافت شد که حاکمان و امیران اموال و املاک زیادی را وقف نموده‌اند که اغلب جنبه فرهنگی، دینی و بهداشتی داشته و شامل بناهایی نظیر مدارس دینی، آب‌انبار، بیمارستان می‌شود و گاهی نیز املاکی توسط آن‌ها وقف گردیده تا درآمد و منافع آن صرف امور خیر و عام‌المنفعه شود. مانند املاک وقف‌شده توسط حمید میرزا ناصرالدوله فرمانفرما در شهر اراک که مهم‌ترین مصرف آن تعمیر نهر انحرافی رود فرات برای رساندن آب شرب بهداشتی به مردم شهر کربلا بوده است. همچنین مطالعه وقف‌نامه‌های متعلق به دوره قاجار در استان مرکزی ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که موقوفات بزرگ در این دوره بیشتر به متعلق به چند قشر می‌باشد که درباریان و اعیان و حگام مانند موقوفات سلطان حمید میرزا ناصرالدوله فرمانفرما در شهر اراک که آن زمان والی کرمان بوده است، نمونه‌ای از این قشر می‌باشد.

کتاب‌نامه

- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۸). «موقوفات تهران و تحول شهر ۱۲۶۹-۱۳۲۰ ه.ق»، *فصل‌نامه وقف میراث جاویدان*، شماره ۲۸، صص ۷-۱۶.
- _____ (۱۳۸۸). *زنانی که زیر مقنعه کلاهداری نموده‌اند* (زندگی ملک تاج خانم نجم‌السلطنه ۱۳۱۱-۱۳۳۳ ش / ۱۳۵۰-۱۲۷۰ ق)، تهران: تاریخ ایران.
- اتحادیه، منصوره؛ غلامرضا سلامی و اسماعیل شمس (۱۳۸۳). *عبدالحسین میرزا فرمانفرما زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی*، تهران: کتاب سیامک.
- اتحادیه، منصوره؛ رضایی، شیوا و علیرضا نیک‌نژاد (۱۳۹۸). *نیمه پنهان* - منتخبی از اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما به انضمام منتخبی از کتابچه مخارج و مواجب ملتزمین رکاب، تهران: تاریخ ایران.
- اتحادیه، منصوره؛ سعدوندیان، سیروس (۱۳۶۶). *گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما ۱۳۲۵-۱۳۴۰ هجری قمری*، تهران: تاریخ ایران.
- امام‌جمعه زاده، سید جواد (۱۳۷۹). «نقش وقف در بهبود اوضاع اجتماعی اقتصادی و فرهنگی»، *فصل‌نامه وقف میراث جاویدان*، سال هشتم، شماره ۲.
- امینیان مدرس، محمد (۱۳۸۱). *وقف از دیدگاه حقوق و قوانین*، تهران: سمت.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۱). *گذری و نظری در فرهنگ مردم*، تهران: اسپرک.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۵۵). *تاریخ زندگی اقتصادی روستائیان و طبقات اجتماعی ایران از دوران ماقبل تاریخ تا پایان ساسانیان*، تهران: اندیشه.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۵). *فرمانفرمای عالم*، تهران: علم.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۳). «وقف از دیدگاه مبانی اسلام»، *فصل‌نامه میراث جاویدان*، شماره ۵.
- حسینی، سیدحسین (۱۳۸۴). «دو وقفنامه از سلطان حمید میرزا ناصرالدوله (موقوفات سلطان آباد عراق)»، *فصل‌نامه وقف میراث جاویدان*، شماره ۵، صص ۴-۱۹.
- حسینی کویابی، سعید (۱۳۹۲). *ادبیات وقف‌نامه‌های شیعی از عهد تیموری تا دوره معاصر*، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- سعدوندیان سیروس و اتحادیه منصوره (۱۳۶۸). *آمار دارالخلافه تهران* (اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار)، تهران: تاریخ ایران.
- فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲). *فارسانه ناصری*، تهران: امیرکبیر.
- لسان‌الملک سپهر، محمد تقی (۱۳۷۷). *ناسخ التواریخ*، به اهتمام حمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.
- مظاهری، محسن حسام (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران*، تهران: چاپ و نشر بینالملل.
- هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.